

ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

ابوالفضل پاسبان^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۲۳

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۰۸

صفحات مقاله: ۱۴۰ - ۱۰۱

چکیده:

موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه جغرافیایی ویژه ترکمنستان بیش از آنکه برای جمهوری اسلامی ایران منفعت داشته باشد، بیش‌تر باعث چالش برای امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران شده است. بنابراین، در این پژوهش به شناخت کشور مذکور به لحاظ ژئوپلیتیکی و بحران‌هایی که از گذر وضعیت جغرافیایی برای امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد، پرداخته می‌شود.

در مقاله حاضر تحت عنوان «ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران» با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کاربردی و با استفاده از روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و میدانی، ضمن انجام مطالعات نظری و مشاهدات میدانی، تلاش گردیده است تا در راستای اهداف تحقیق و ارائه پاسخ به سؤال و تأیید فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گام مؤثری در این خصوص برداشته شود که در نهایت، منفی بودن تأثیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی ایران به اثبات رسید.

* * * * *

واژگان کلیدی

موقعیت ژئوپلیتیکی، جایگاه جغرافیایی، فروپاشی شوروی سابق، ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان، امنیت سیاسی

جمهوری اسلامی ایران.

۱ - کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

در پی شکست نظام کمونیستی در شوروی که به تجزیه این کشور منتهی گردید، شورای عالی ترکمنستان در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱، استقلال این جمهوری از شوروی را تصویب نمود. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به وجود آمدن کشورهای جدیدالتأسیس تحت عنوان جمهوری‌های خودمختار آسیای مرکزی و قفقاز، این منطقه مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفت، موقعیت ژئوپلیتیکی آن و قرار گرفتن در خشکی‌ها نیاز این کشورها را به محیط‌های بیرون از خود دو چندان کرده است، یکی از کشورهای تأثیرگذار در این منطقه کشور ترکمنستان می‌باشد که به خاطر برخورداری از منابع نفت و گاز و وجود خطوط انتقال انرژی به خارج از منطقه اهمیت زیادی پیدا کرده است. موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه جغرافیایی ویژه ترکمنستان بیش از آنکه برای جمهوری اسلامی ایران منفعت داشته باشد، بیش تر باعث چالش برای امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران شده است. بنابراین، در این پژوهش به شناخت کشور مذکور به لحاظ ژئوپلیتیکی و بحران‌هایی که از گذر وضعیت جغرافیایی برای امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد، پرداخته می‌شود. در مطالعه موقعیت‌های ژئوپلیتیکی در مناطق گوناگون، معمولاً منابع و امکاناتی که سبب جلب توجه قدرت‌ها می‌شوند، همانند منابع طبیعی و ثروتی یا موقعیت جغرافیایی و راهبردی، بر سر راه‌های عمده‌ی بازرگانی بین‌المللی در خشکی یا دریا بودن، قرار گرفتن در کنار تنگه‌های حساس راهبردی و نهایتاً بحث همسایگان آن کشور خاص مدنظر می‌باشد. (مجتهدزاده؛ ۱۳۷۷: ۱۶۵)

بیان مسأله و اهمیت و ضرورت تحقیق:

دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی را بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولت‌ها می‌داند. این که چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و یک تکه زمینی که یک دولت روی آن قرار گرفته است، گزینه‌های سیاست خارجی دولت و جایگاه آن را در سلسله‌مراتب دولت‌ها تعیین می‌کند. موضوع ژئوپلیتیک مطالعه مبانی جغرافیایی قدرت دولت‌هاست. نقش ویژگی‌های سرزمین، آب و هوا، منابع طبیعی، موقعیت

جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی و خصوصیات فرهنگی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی، مورد بحث این شاخه از دانش سیاسی است. (ویکی پدیا)

باید توجه داشت که نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل، فقط به تمایلات، افکار و عقاید اداره‌کنندگان سیاست خارجی آن دولت بستگی ندارد؛ به عبارت دیگر، اولیای امور به آن حدی که تصور می‌شود در انتخاب روش‌های سیاسی آزاد نیستند، بلکه زمینه فعالیت و قدرت آنها بسیار محدود است؛ زیرا عوامل و وضعیت‌های خاصی وجود دارند که تأثیر عمیقی در سیاست خارجی هر کشوری می‌گذارند و یکی از مهم‌ترین این عوامل تأثیرگذار، وضعیت ژئوپلیتیکی هر کشور می‌باشد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۱)

در واقع، ژئوپلیتیک تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست را بررسی می‌کند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۲)، جایگاه یک کشور در نظام بین‌الملل، میزان دسترسی به منابع طبیعی، تأثیرات آب و هوا، طول مرزها، ناهمواری‌ها، همسایگی با دولت‌های مختلف، خود سبب بروز تعاملات متفاوتی در عرصه تعاملات جهانی می‌گردد. اهمیت دیگر مباحث ژئوپلیتیک در این نکته است که چون بررسی رابطه بین عوامل جغرافیایی و سیاست کشورها مدنظر است، بر همین اساسی می‌توان با تکیه بر داده‌های جغرافیایی، آینده و خط‌مشی سیاسی کشورها را تا حدودی پیش‌بینی نمود و نهایتاً اینکه چنانچه کشورها توانایی لازم در بهره‌وری از موقعیت مساعد جغرافیایی خود را نداشته باشند، قدرت‌های خارجی بر اساس منافع خود از آنها بهره می‌برند و به نوعی بحران‌زایی می‌کنند. بدین ترتیب، ژئوپلیتیک عاملی است حائز اهمیت که هم می‌تواند فرصت‌هایی را به وجود آورد و هم چالش‌هایی را سبب گردد. موقعیت ژئوپلیتیکی کشور ترکمنستان و برخورداری از منابع انرژی در کنار محصور شدن در خشکی زمینه‌ی حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این کشور را فراهم کرده است. در این تحقیق مسأله اصلی که محقق با آن روبروست، اینکه تأثیرات ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ تا با استفاده از ظرفیت‌های لازم، جمهوری اسلامی ایران تدابیری مناسب اندیشیده شود. کشور ترکمنستان از جایگاه ژئوپلیتیکی حساسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است و راه ورود به آسیای مرکزی بوده و کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای برای دستیابی به

دیگر کشورهای آسیای مرکزی باید ابتدا از ترکمنستان عبور کنند. این کشور دارای ۱۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران است. هم‌چنین دارای منابع عظیم زیرزمینی به‌ویژه نفت و گاز بوده که همین موضوع توجه دولت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای را به این کشور جلب نموده است. با توجه به اهمیت بسیار موارد مطروحه فوق ضرورت بررسی ژئوپلیتیک ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

حضور اقلیت قوم ترکمن در کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکمنستان را یکی از کشورهای تأثیرگذار در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. از طرفی عدم انجام کار علمی در مورد شناخت این تأثیرگذاری، این کار تحقیقی را دارای اهمیت بالایی نموده است و ضرورت ایجاد می‌کند که با مطالعه علمی و شناخت تأثیرات ژئوپلیتیکی این کشور بر جمهوری اسلامی ایران، از تأثیرات منفی آن جلوگیری نموده و بر بخش تأثیرات مثبت تأکید شود. پر واضح است که عدم توجه به این مسائل بدون شک هزینه‌های گزافی برای کشور جمهوری اسلامی ایران به‌دنبال خواهد داشت. بدین ترتیب، بایستی دولت جمهوری اسلامی ایران تمهیدات لازم را نسبت به بررسی ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار دهد.

هدف تحقیق

بررسی ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

سؤال اصلی تحقیق

تأثیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

روش‌شناسی تحقیق

مقاله حاضر از نوع کاربردی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و قلمرو تحقیق از لحاظ مکانی شامل محل جغرافیایی کشور ایران و ترکمنستان و از نظر قلمرو موضوعی به بررسی ژئوپلیتیک ترکمنستان و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است

و از لحاظ قلمرو زمانی نیز با توجه به همسایگی کشور ترکمنستان با جمهوری اسلامی ایران و شرایط تهدیدات آتی و مسائل مختلف، به نظر می‌رسد نتایج این پژوهش از لحاظ قلمرو زمانی تا سالیان متمادی قابل بهره‌برداری و استفاده خواهد بود.

گردآوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار مطالعه کتب و مقالات و با بررسی اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق و هم‌چنین به روش تحقیقات میدانی با بهره‌گیری از ابزار مشاهده و تهیه و توزیع پرسشنامه (مصاحبه) بین افراد خبره و صاحب‌نظر صورت گرفته است.

جامعه آماری و حجم نمونه آماری موردنظر در این پایان‌نامه تعداد ۱۰ نفر از کارشناسان نظامی آشنا به امور سیاسی، و خبره در امر موضوع تحقیق، اساتید خبره دانشگاهی در موضوع تحقیق می‌باشند.

در خصوص روایی، در این مدل با توجه به نوع تحقیق، نسبت به سنجش اعتبار محتوای ابزار اندازه‌گیری پرداخته شده است. از این‌رو، اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد. در این خصوص ابتدا با استفاده از داده‌های گردآوری شده در مطالعات نظری و تحقیقات میدانی اقدام به تهیه پرسش‌نامه برای مصاحبه در قالب ۷ سؤال گردید، سپس این عوامل و سؤالات پژوهش (پرسش‌نامه) به رؤیت و تأیید برخی از اساتید و صاحب‌نظران رسید، که اغلب شاخص‌ها (سؤالات) دارای اعتبار بالایی بوده و سؤالاتی که از اعتبار کمی برخوردار بودند، با نظر صاحب‌نظران اصلاح گردیدند. هم‌چنین پیشنهادات این صاحب‌نظران و اساتید مورد بررسی قرار گرفته و پرسش‌نامه نهایی با هفت سؤال بین جامعه‌ی نمونه‌ی آماری توزیع و مصاحبه گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار EXCEL و با بهره‌گیری از روش‌های کمی آماری زیر صورت گرفته است:

- استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی برای توصیف داده‌ها برای هر یک از عوامل تأثیرگذار ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛

- استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی برای توصیف داده‌ها برای هر یک از عوامل ثابت و متغیر تأثیرگذار ترکمنستان در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛
- استفاده از جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی برای توصیف داده‌ها برای تعیین میزان تأثیرگذاری ژئوپلیتیک ترکمنستان در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مفاهیم و اصلاحات

ژئوپلیتیک: ساده‌ترین تعریفی که جغرافی دانان از ژئوپلیتیک کرده‌اند، این است که ژئوپلیتیک به مطالعه‌ی اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون‌شونده‌ی جهانی می‌پردازد. (تقوی اصل، ۱۳۸۷: ۲۷) به تعبیر دیگر، تجزیه و تحلیل عوامل جغرافیایی و تعیین تأثیر این عوامل بر روابط قدرت میان ملت‌ها و ائتلاف‌ها را ژئوپلیتیک می‌نامند. (چگینی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۷۱) ژئوپلیتیک به‌عنوان تحلیل تعامل میان زمینه‌های جغرافیایی و دیدگاه‌های مرتبط با آن از یک سو و فرآیندهای سیاسی از سوی دیگر تعریف می‌شود. از این رو، زمینه‌های جغرافیایی و فرآیندهای سیاسی هر دو پویا بوده و بر یکدیگر تأثیر گذاشته و تأثیر می‌پذیرند. ژئوپلیتیک پیامدهای این تعامل را مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد (کوهن، ۱۳۸۷: ۴۲)، ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است. در این تعریف، ژئوپلیتیک به‌عنوان روش اقدام یا گفتمان سیاسی و نه به‌عنوان موضوع علمی مطرح شده است؛ بنابراین، بعد کاربردی ژئوپلیتیک در تصمیم‌گیری سیاسی مورد توجه است. (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲) عزت‌الله عزتی تعریف زیر را از ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد: «ژئوپلیتیک به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی بر ساختارها و نهادهای سیاسی، حکومتی و غیرحکومتی و تحولات آنها و خصوصیات روابط با دیگر دولت‌ها می‌پردازد.» (عزتی، ۱۳۷۳: ۸۸) ساموئل بی. کوهن، جغرافی‌دان و ژئوپلیتیسن معروف آمریکایی، ژئوپلیتیک را عبارت می‌داند از: «مطالعه کاربردی روابط فضای جغرافیایی با سیاست، که تأثیر دوجانبه الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد.» (Cohen, 1994: 17)، و محمدرضا حافظ‌نیا نیز ژئوپلیتیک را چنین تعریف

نموده است: «تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصصاتی ذاتی می‌باشند؛ و ژئوپلیتیک عبارت است از: علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر.» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۷)

واژه ژئوپلیتیک اولین بار در سال ۱۸۹۹م. به وسیله دانشمند علوم سیاسی سوئدی رودلف کی آرن به کار گرفته شد. در سال‌های اولیه قرن بیستم، کی آرن و سایر متفکران امپریالیستی (استعمارطلب) ژئوپلیتیک را به‌عنوان بخشی از دانش استعماری غربی فهمیدند که از رابطه‌ی جغرافیای طبیعی و زمین با سیاست بحث می‌کرد. ژئوپلیتیک بعداً با هدف معروف سیاست خارجی آلمان نازی یعنی لیبسرام (تعقیب فضای حیاتی بیش‌تر برای ملت آلمان) پیوند خورد. بدین معنا که تصور می‌شد، علم ژئوپلیتیک همان ژئوپلیتیک خاص آلمان و سیاست‌های حزب نازی است و همین مسأله موجبات بروز جنگ جهانی دوم را فراهم نموده است. (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۵)

قلمرو و مرز ژئوپلیتیکی: قلمرو ژئوپلیتیکی یعنی فضای جغرافیایی و انسان‌ها و جوامع مربوطه که در حوزه نفوذ و تأثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، امنیتی، تجاری، فناورانه و رسانه‌ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. کشورها و سرزمین‌ها و فضاها جغرافیایی و پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قطب) قرار دارد، قلمرو ژئوپلیتیکی آن نامیده می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۴)

نظم ژئوپلیتیکی: عبارت است از الگوی پایدار سیاست جهانی که از طریق مجموعه‌ای از قواعد، توسط قدرت‌های بزرگ حاکم می‌گردد. (Taylor, 1994: 330) به عبارتی، در هر نظم ژئوپلیتیکی که برای دوره‌ای مشخص بر جهان حاکم است، یک یا چند قدرت بزرگ آن را شکل داده و مدیریت و رهبری فرآیندهای آن را بر عهده دارند. روابط قدرت‌ها با یکدیگر و نیز با سایر عناصر سیستم ژئوپلیتیک بر پایه سطح قدرت آنها تعریف می‌گردد. در نظم مزبور قدرت‌های بزرگ در نقش سلطه‌گر سعی بر تفوق بر دیگران داشته و منافع ملی آنها را مورد تهدید قرار می‌دهند. (همان: ۱۴۱)

دولت ملی: ملت‌ها بر دو نوع بسیط و ترکیبی هستند و از نظر حقوقی هر دو اساس دولت ملی را تشکیل می‌دهند، ولی از نظر خصیصه‌های مشترک، تنها ملت‌های بسیط اساس معناداری برای دولت ملی محسوب می‌شوند و در ملت‌های مرکب، گروه‌های اقلیت خود را واقعیتی جداگانه می‌پندارند. (همان: ۱۵۰)

هویت ملی: هویت ملی عبارت است از مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت که افراد آن نسبت به آنها خود آگاهی یافته و به واسطه آن احساس یگانگی و تعلق به همدیگر می‌کنند. هویت ملی باعث تمایز یک ملت از دیگران شده و سبب معرفی آنها را فراهم می‌آورد. هویت ملی بر پایه‌ی خصوصیات سرزمینی، فرهنگی، تاریخی، دینی، قومی، نژادی و غیره شکل می‌گیرد. (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۲۱۱)

وزن ژئوپلیتیکی: عبارت است از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور. به عبارتی، جمع جبری عوامل قدرت ملی. از آنجایی که برخی عوامل نظیر بی‌سوادی، فقر، سوانح طبیعی، بی‌ثباتی سیاسی و نظایر آن در قدرت ملی نقش منفی ایفا می‌کنند و در نقطه‌ی مقابل برخی از عوامل نظیر سواد، درآمد، سرانه‌ی بالانه، فقدان سوانح، ثابت سیاسی، سطح عملی و فناوری بالا و نظایر آن نقش مثبت در قدرت ملی ایفا می‌کنند؛ بنابراین، در برآورد وزن ژئوپلیتیکی، به نقش عوامل و متغیرهای مؤثر در قدرت ملی باید توجه شود. وزن ژئوپلیتیکی موقعیت یک کشور و یا منزلت آن را در مجموعه‌ای از کشورها و یا در سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد. (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۰۹)

راهبرد ژئوپلیتیکی: راهبرد و خط‌مشی متخذه از سوی یک دولت یا سازمان و ائتلاف بین‌المللی بر علیه رقبای خود برای رسیدن به اهداف و منابع ملی با استفاده از عوامل جغرافیایی است. (همان: ۱۲۲)

تعلق ژئوپلیتیکی: تعلق ژئوپلیتیکی به نوعی زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل و ناظر بر مواردی هست که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تأمین‌کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری،

ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، فناورانه، نظامی، امنیتی، حیثیتی یا زیست‌محیطی می‌باشند و کشور به آنها دلبستگی و علاقه دارد. در حیطه‌ی مفهوم تعلق ژئوپلیتیکی فهرست گسترده‌ای را می‌توان تنظیم نمود که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود: یک گروه اقلیت هم‌کیش یا هم‌زبان و هم‌فرهنگ در کشور دیگر؛ یک فضای جغرافیایی مرتفع و مسلط بر کشور (بلندی‌های جولان-قفقاز - کشمیر)؛ سرچشمه رودخانه‌ها؛ مسیر حرکت بادهای باران‌زا؛ یک جزیره و...؛ در واقع، تعلق ژئوپلیتیکی مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری از تجانس برخوردار و به لحاظ کارکردی تأمین‌کننده‌ی نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب گردد، می‌باشد. (همان: ۱۲۰)

کد ژئوپلیتیکی: این مفهوم توسط پیتر تایلور جغرافیدان سیاسی انگلیسی وضع شد که عبارت است از دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. (Taylor, 1994: 330)

سرزمین یا بوم: بوم واژه‌ای است کهن در زبان فارسی که از یک سو با مفهوم «میهن» برابر است و از سوی دیگر، با مفهوم اروپایی «سرزمین»^۱ نزدیکی پیدا می‌کند. گاتمن می‌گوید: «سرزمین، هم مفهوم سیاسی است و هم جغرافیایی، چراکه چهره جغرافیایی زمین هم جلوه‌گاه جدایی‌های سیاسی است، و هم از راه جریان‌های سیاسی سازمان می‌یابد». وی سپس سرزمین را چنین تعریف می‌نماید: «سرزمین بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی قلمرو یک حکومت برابری می‌کند. این مفهوم جای‌دهنده‌ی فیزیکی و پشتیبانی‌کننده‌ی بدنه سیاسی است که یک ساختار حکومتی به خود می‌گیرد. این مفهوم، پهنه فیزیکی یک سیستم سیاسی را معرفی می‌کند که در حکومتی ملی و یا در بخشی از آن که از گونه‌ای اقتدار برخوردار باشد، قوام می‌گیرد». این تعریف که به مراتب کاراتر از تعاریف ارائه‌شده از سوی دیگران است، تردیدی در جدایی‌ناپذیری جنبه سیاسی مفهوم سرزمین از حکومت باقی نمی‌گذارد. به گفته‌ی دیگر، مفهوم سرزمین در این تعریف با مفهوم «کشور» در فارسی برابری پیدا می‌کند و کشور

۱ - territory

در فارسی کنونی همانی است که بر جای مفهوم کهن «بوم» نشسته است، در حالی که مفهوم اروپایی «سرزمین» با مفهوم سیاسی «حکومت» و «حاکمیت» جدایی پذیری ندارد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۴۱-۱۴۰)

بحران ژئوپلیتیکی: عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان‌ها می‌گردند. در بحران‌های ژئوپلیتیکی باید به مسائلی از جمله: موضوع و عامل بحران، پایداری و تداوم نسبی که بحران‌های ژئوپلیتیکی از آن برخوردارند، ایجاد شرایط لازم جهت حل بحران‌های ژئوپلیتیکی و مواردی از این قبیل توجه نمود. (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۲۶)

منطقه‌ی ژئوپلیتیکی: منطقه‌ی ژئوپلیتیکی عبارت است از بخشی از سطح سیاره‌ی زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد؛ مانند منطقه‌ی خلیج فارس، دریای خزر، قاره اروپا، آمریکای شمالی، جنوب شرقی آسیا، منطقه‌ی عربی و غیره. منطقه‌ی ژئوپلیتیکی بر پایه‌ی یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و یا کارکردی شکل می‌گیرد. هویت‌یابی منطقه‌ی ژئوپلیتیکی مستلزم باردار شدن سیاسی منطقه‌ی جغرافیایی متجانس و عناصر مربوط به آن است؛ یعنی اگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه‌ی جغرافیایی به صورت انفرادی یا اجتماعی، یا به صورت ناقص و یا کامل از بعد سیاسی، نقش‌آفرین شود، منطقه‌ی جغرافیایی تغییر ماهیت داده و به صورت یک منطقه ژئوپلیتیکی در صحنه ظاهر می‌شود. (همان: ۱۱۱)

سلسله‌مراتب ژئوپلیتیکی: کوهن در چارچوب نظریه‌ی سیستم ژئوپلیتیکی جهان، پنج سطح قدرت را تعیین می‌کند که سطح اول آن را قدرت‌های جهانی، سطح دوم آن را قدرت‌های منطقه‌ای

و سطح سوم آن را قدرت‌های فرعی منطقه‌ای و سطوح باقی‌مانده را کشورهای تشکیل می‌دهند که فاقد توانایی شکل دادن به حوزه‌های نفوذ هستند و بیش‌تر درگیر مسائل خود بوده و یا به حوزه‌ی نفوذ سطوح سه‌گانه‌ی فوق تبدیل می‌شوند. در این الگوی سطح‌بندی، کوهن‌ویژگی‌های هر سطح قدرت و الگوی رابطه و تأثیر و نفوذ آنها را بر یکدیگر بیان نموده و سلسله‌مراتب را عنصر اصلی سیستم ژئوپلیتیکی جهان می‌داند که قابلیت انعطاف نیز دارد. معنای کلی این مفهوم عبارت از رده‌بندی کشورها و مناطق ژئوپلیتیکی و نیز مکان‌های جغرافیایی بر اساس وزن ژئوپلیتیکی و نحوه‌ی ارتباط آنها با یکدیگر است. (Cohen, 1994: 28-20)

سیر تحولات ژئوپلیتیک: تاریخ جغرافیای سیاسی را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

الف) دوران برتری: خاستگاه دانشی که بعدها به آن عنوان ژئوپلیتیک داده شد، در مراکز استعماری امپراتوری‌های رقیب در آخر قرن نوزده میلادی متولد شده است. (tuothail, 1996: 21) واژه‌ی ژئوپلیتیک برای اولین بار توسط رودلف کی‌آلن عضو مجلس سوئد و استاد دانشگاه آپسالا که متأثر از اندیشه‌های جغرافیای سیاسی فردریک راتزل بود، در سال ۱۸۹۹ م به کار گرفته شد. (Glassner, 1993: 224) وی معتقد بود که ویژگی‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی ملت‌های متأثر از اشکال فیزیکی و محیطی کشورشان می‌باشد. در واقع، او از ژئوپلیتیک تأثیر عوامل جغرافیایی نظیر کوه‌ها، اقیانوس‌ها، منابع طبیعی، انرژی، جمعیت و غیر آن را بر اهمیت سیاسی کشور نتیجه می‌گرفت (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳)، و نهایتاً، رودلف کی‌آلن عقاید راتزل را بسط و گسترش داد که معتقد بود "در حقیقت آلمان مهد جغرافیای سیاسی است." آلمان مدرن که در سال ۱۸۷۱ ایجاد شد، تحت رهبری جاه‌طلبانه پروس خود را قدرتی بزرگ در رقابت با بریتانیا، فرانسه، اتریش و روسیه می‌دید. با توجه به شرایط ویژه‌ی آلمان که حکومتی محصور در خشکی و دارای مشکلاتی در راه توسعه سرزمین خود بود، در دهه پایانی قرن نوزدهم، نظریاتی درباره‌ی ارتباط میان سرزمین و قدرت حکومت در میان طبقه روشنفکر جدید این کشور شکل گرفت. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

در این تلاش، قبل از هر کس فردریک راتزل آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۰۴) سهم بسزایی در تفکر فلسفی علوم طبیعی در آلمان داشت. راتزل و همفکران وی از جمله کسانی بودند که موفق شدند تأثیرات محیط را بر روی قدرت سیاسی ملت‌ها طبقه‌بندی کنند. (عزتی، ۱۳۸۶: ۷-۸)

راتزل سه حقیقت اساسی جغرافیایی را در منزلت و رشد کشورها مؤثر می‌دانست:

- سرزمین مشخص و فضای معین همراه با موقعیت طبیعی و جغرافیایی سیاسی در بین سایر کشورها؛
- مردمی متجانس و وابسته به ناحیه‌ی جغرافیایی کشور؛
- توسعه کشور از چارچوب طبیعی که کانون اولیه‌ی آن بوده و به دلیل رشد جمعیت نیاز به سرزمین بیش‌تری دارد. (Dikshit, 1995: 6)

بسیاری از تفکرات راتزل برای پیدا کردن توجیه حقوقی و روشنفکری برای توسعه‌ی سرزمین آلمان بود. وی به هنگام پایه‌گذاری جغرافیای سیاسی مفاهیم زیادی را از نظریه‌ی تکامل تدریجی داروین و پیروان او به‌ویژه داروینسم اجتماعی مشهور به نئولامارکیسم استفاده کرد. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

از دیدگاه راتزل کشورها وقتی جمعیت‌شان افزایش می‌یابد، نیازمند فضای حیاتی بیش‌تری می‌شوند و هرچه وسعت کشوری بیش‌تر باشد، قدرت سیاسی و تمدن آن کشور توسعه‌ی بیش‌تری می‌یابد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۸) کی آن که تحت تأثیر عقاید راتزل بود، تلاش می‌کرد قدرت جهانی آن روز را شناسایی و کشورهای امپریالیستی قاره‌ی بزرگ آینده را پیش‌بینی کند. او در سال ۱۸۹۸ میلادی واژه‌ی گئوپلیتیک را در زبان آلمانی به کار برد که تا آن زمان در هیچ جا مطرح نشده بود. این واژه در سال ۱۹۲۴ میلادی به ژئوپلیتیک در زبان انگلیسی ترجمه شد. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰) هلفور مکنیدر بریتانیایی، از دیگر بنیانگذاران جغرافیای سیاسی محسوب می‌شود که نقش بسزایی در ترویج جغرافیای سیاسی مدرن ایفا نمود. آثار وی روابط و پیوستگی‌های بین علایق ملی و جغرافیا و زمین را شامل می‌شد. (Rennie Short, 1994: 18)

وی بر خلاف راتزل، در وهله اول به مسائل راهبردهای جهانی و تعادل قدرت میان کشورها و در واقع تأمین منافع بریتانیا پرداخت. در ایالات متحده نیز آلفرد ماهان، افسر

بازنشسته‌ی نیروی دریایی، قدرت نظامی جهان را وابسته به قدرت دریایی دانست و عوامل جغرافیایی را که موجب کسب قدرت دریایی می‌شوند، به‌طور کامل توضیح داد. البته نظریه‌ی مکنیدر با نظر ماهان در تضاد بود. مکنیدر با تقسیم تاریخ به سه دوره‌ی پیش از کلمب که در آن قدرت زمینی اهمیت داشت، دوران کلمب که قدرت دریایی مهم شد و دوره بعد از کلمب، معتقد بود در دوره‌ی جدید فعالیت‌های امپریالیستی اهمیت قدرت دریایی را کم کرده است، زیرا فناوری جدید مانند راه‌آهن، سرزمین‌های دوردست را قادر به پیروزی آسان و به این امر کمک کرده که تعادل قوا به سوی قدرت قاره‌ای برگردد. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۱)

ب) دوران انزوا: شکست آلمان در سال ۱۹۴۵ و مرگ هاوس هوفر در سال ۱۹۴۶ به معنای پایان یافتن مکتب ژئوپلیتیک خاص آلمان بود. با پایان گرفتن جنگ هم‌چنین سنت‌های ژئوپلیتیکی در دیگر کشورهای محور، مانند ایتالیا و ژاپن، به دست فراموشی سپرده شد. اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ علاقه به ژئوپلیتیک از نوشتار اندیشمندان آمریکایی نیز ناپدید شد. آسان‌ترین راه برای ثبت تاریخچه‌ی افول ژئوپلیتیک، توسل به واژه‌شناسی است. رابطه با ژئوپلیتیک نوع آلمانی برای این مکتب مرگبار بود. (هپل، ۱۳۷۰: ۲۲)

در این دوران ژئوپلیتیک در سطح جهان به‌ویژه در غرب از نظر اسمی مطرود و از نظر علمی در حال رکود بود. رکودی که علت آن دو چیز بود: یکی اینکه تصور می‌شد علم ژئوپلیتیک همان ژئوپلیتیک خاص آلمان و سیاست‌های حزب نازی است و همین امر موجبات بروز جنگ را فراهم کرده و دیگری اینکه ظهور سلاح‌های هسته‌ای و توانایی پرتاب آنها به‌وسیله‌ی هواپیما و موشک به فاصله‌های دور، ظاهراً جغرافیا را از اهمیت انداخته بود. چون تصور می‌شد که دیگر نه فاصله و نه عوارض جغرافیایی در جنگ‌ها چندان مهم تلقی نمی‌شوند. به این دلایل، ژئوپلیتیک در آمریکا و کشورهای آنگولاساکسون و فرانسه مورد انتقاد شدید جغرافیدانان قرار داشت؛ به‌عنوان مثال، پییر ژرژ جغرافیدان فرانسوی در کتاب خود تحت عنوان «جغرافیای فعال» واژه‌ی ژئوپلیتیک را برترین کاریکاتور جغرافیای کاربردی در نیمه اول قرن بیستم خواند و تحلیل‌های ژئوپلیتیکی را مردود دانست. (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۴) در دوران

انزوا، سانسوری در مباحث جغرافیای سیاسی اتفاق افتاد که دو نتیجه در پی داشت؛ نخست، جغرافیای سیاسی از توسعه نظری صورت گرفته در سایر شاخه‌های جغرافیا به‌ویژه در زمینه انقلاب کمی دهه ۱۹۶۰ عقب ماند؛ دوم، جغرافیای سیاسی در درون جغرافیا به حاشیه رانده شد. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۲) در کنار شرایط فوق، نکته جالب این است که در دوره‌ای که ژئوپلیتیک از نظر دانشگاهی در سطح جهانی مطرود بود؛ یعنی طی سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ میلادی، تحلیل‌های ژئوپلیتیکی توسط سیاستمداران و نظامیان انجام می‌شد و از نظریه‌های ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی کشورها استفاده می‌شد.

ج) دوران احیا: در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ میلادی به علت تغییراتی که در ساختار نظام بین‌المللی روی داد، زمینه برای احیای مجدد ژئوپلیتیک فراهم شد. این تغییرات عبارت بودند از: ظهور بازیگران جدید در صحنه بین‌المللی به دلیل استعمارزدایی و بروز ملی‌گرایی در جهان سوم، انقلاب کوبا و رشد جنبش‌های انقلابی در سایر نقاط جهان، شکاف میان چین و شوروی، بالندگی شوروی از نظر قدرت نظامی به‌ویژه در زمینه نیروی دریایی، ناکارآمدی راهبرد بازدارندگی در هنگام برخورد با بحران‌های منطقه‌ای، ظهور اوپک و افزایش قیمت انرژی که نشان‌دهنده‌ی سقوط تدریجی قدرت نسبی آمریکا در اقتصاد جهانی بود. (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۶) در این دوران شرایطی ایجاد شد که نامداران جغرافیای سیاسی در تلاش جهت شکوفا ساختن جغرافیای سیاسی در نیمه‌ی قرن بیستم بودند. سیاستمدارانی چون هنری کسینجر، واژه‌ی ژئوپلیتیک را دوباره به زبان روزمره‌ی سیاسی نیمه‌ی دوم قرن بیستم باز آوردند و جهان‌اندیشانی چون ژان گاتمن و ساموئل کوهن پیروزمندانه جهان‌اندیشی ژئوپلیتیک را به بستر اصلی مباحث دانشگاهی بازگرداندند. ژان گاتمن با طرح نظریه‌ی «آیکنوگرافی - سیر کولاسیون»، «حرکت» را در مباحث ژئوپلیتیک در معرض توجه ویژه قرار داد و عوامل روحانی، یا عامل «معنا» را در جهان‌اندیشی «اصل» یا «مرکز» دانست و «ماده» یا «فیزیک» را تأثیرگیرنده قلمداد کرد. در اینجا کافی است گفته شود که با طرح این اندیشه، گاتمن در حقیقت جهان‌اندیشی سیاسی و ژئوپلیتیک را کاملاً دگرگون کرد و این امر مباحث دانشگاهی را به بستر تازه می‌انداخت و به نوعی او پدر جغرافیای سیاسی نو و ژئوپلیتیک نو شناخته می‌شود. (مجته‌زاده، ۱۳۷۷: ۹۶)

احیای ژئوپلیتیک ابتدا از لحاظ کاربرد لفظ آن، در دهه ۱۹۷۰ و عمدتاً توسط هنری کسینجر وزیر خارجه نیکسون صورت گرفت؛ وی با عنوان بخشی از بازاندیشی و جهت‌دهی نوین به سیاست خارجی آمریکا، از واژه ژئوپلیتیک بسیار استفاده نمود. این استفاده هم به وسیله کسینجر و هم به وسیله نیکسون، چه در نوشته‌ها و چه در سخنرانی‌ها، این واژه را به رسانه‌های گروهی و مجلاتی مانند تایم، فورچون، اسپکتیور و متعاقباً به زبان عامیانه وارد کرد. محتوای مشخص ژئوپلیتیک کسینجر به طور عمد (هرچند انحصاری) درباره‌ی تمایل به روابط جدید آمریکا با چین کمونیست بود. ژئوپلیتیک کسینجر دو مسیر متفاوت در احیای ژئوپلیتیک به وجود آورد یا دست‌کم نشان داد: یکی از آنها از طریق مثال و واکنش، نه تفکر بیش‌تر درباره‌ی راهبرد جهانی در سنت ژئوپلیتیک انجامید. دیگری، که شاید مهم‌تر از اولی باشد، موجب محبوب شدن واژه ژئوپلیتیک گردید. واژه در سطحی گسترده‌تر از گذشته وارد زبان شد، هرچند که بهای گزاف این محبوبیت، ابهام در معنای آن بود. (هپل، ۱۳۷۰: ۲۵-۲۴)

نظریه‌های مرتبط با ژئوپلیتیک

نظریه ارگانیزم دولت با تأکید بر اهمیت فضای ژئوپلیتیک (فردریک راتزل، ۱۸۴۴-۱۹۰۴): تفکر ژئوپلیتیکی قرن بیستم، در دوران بحران علمی متولد شد؛ این علم زمانی خود را مطرح کرد که جدال بین طرفداران مادیت و معنویت برای هدایت جامعه، با بهره‌گیری از علوم و فنون و تکنیک به اوج خود رسیده بود و دیگر انسان‌ها به‌عنوان برابر و برادر به هم نگاه نمی‌کردند، بلکه طبیعت آنها گرایش هجومی پیدا کرده بود و مسأله تنازع بقا شکل می‌گرفت. (عزتی، ۱۳۸۶: ۷)

در چنین شرایطی، جغرافیای مردمی در برابر جغرافیای سلطنتی زاده می‌شود و در فضای هویت‌جویی آلمان، فردریک راتزل، قوانین جغرافیای سیاسی را تدوین می‌کند. او استدلال خود را بر مبنای عناصر خارجی پایدار و ثابت جغرافیای سیاسی، یعنی جغرافیای طبیعی بنیان می‌گذارد. اندیشه‌ی او در مورد آینده آلمان، هویت و نیز جایگاهی که این کشور در سطح جهان باید از آن برخوردار باشد، است. (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۳-۲) نظریات راتزل در دورانی ابزار

شد که آلمان مدرن در سال ۱۸۷۱ ایجاد شده بود و تحت رهبری جاه‌طلبانه‌ی پروس خود را قدرتی بزرگ در رقابت با بریتانیا، فرانسه، اتریش و روسیه می‌دید. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰) جغرافیای سیاسی که توسط او، پایه‌گذاری شده بود، بر پایه مفهوم ژئوپلیتیک شکل گرفت. راتزل بر اساس یک قیاس بیولوژیکی به رشد فضایی دولت‌ها اعتقاد داشت. وی سه حقیقت اساسی جغرافیایی را در منزلت و رشد کشورها مؤثر می‌دانست:

- سرزمین مشخص و فضای معین همراه با موقعیت طبیعی و جغرافیای سیاسی در بین سایر کشورها؛
- مردمی متجانس و وابسته به ناحیه‌ی جغرافیایی کشور؛
- توسعه کشور از چارچوب طبیعی که کانون اولیه آن بوده و به دلیل رشد جمعیت نیاز به سرزمین بیش‌تری دارد. (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳)

راتزل معتقد بود، انسان لازم است برای کسب موفقیت، خود را با محیط هماهنگ سازد، همان‌طور که گیاهان چنین عملی انجام می‌دهند. او معتقد بود کشورها مانند یک موجود زنده، تابع قوانین خاص خود هستند. از دیدگاه وی، دولت حاصل تکامل ارگانیک است و اجزای وابسته آن، شبیه درختی است که اندام فضایی آن در خاک قرار دارد و برای آنکه این اندام رشد و تکامل یابد، توسعه ارضی لازم و ضروری می‌نماید. هرچه وسعت کشوری بیش‌تر باشد، قدرت سیاسی و تمدن آن کشور توسعه بیش‌تری می‌یابد. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۰) افکار راتزل توسط یکی از شاگردانش به نام خانم سمپل، به آمریکا برده شد. سمپل با ترجمه و تفسیر و نشر عقاید راتزل در آمریکا، کتابی تحت عنوان آثار محیط جغرافیایی منتشر و با تأکید بر توسعه ارضی، بر پویایی دولت‌ها در این خصوص اشاره کرد. رودلف کلی آلن جغرافیدانان سوئدی نیز تحت تأثیر عقاید راتزل بود و افکار وی را بسط و گسترش داد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۹)

نظریه قدرت دریایی (آلفرد تایرماهان، ۱۸۴۰-۱۹۱۴): آلفرد تایرماهان یکی از نظریه‌پردازان شاخص آمریکا در زمینه سیاست‌های جغرافیایی است. وی فارغ‌التحصیل آکادمی دریایی آمریکاست که چهل سال از عمر خود را در نیروی دریایی این کشور گذراند و از سال ۱۸۸۶ تا سال ۱۹۰۶

میلادی که با درجه‌ی دریاسالاری^۱ بازنشسته شد، مسئولیت دانشگاه جنگ نیروی دریایی ایالات متحده را بر عهده داشت. او پیش از هر فرد دیگری به نظریه‌ی قدرت دریایی و راهبرد آن اهمیت می‌داد و در خط‌مشی نیروی دریایی آمریکا تغییرات مهمی ایجاد و بر تفکر دریایی فرانسه، ایتالیا، روسیه، ژاپن و دیگر کشورهای نسبتاً پر قدرت تأثیر گذاشت. (عزتی، ۱۳۸۶: ۵۲) ماهان به‌طور کلی بر این عقیده بود که شرط اصلی برای اتحاد یک قدرت جهانی، کنترل بر دریاهاست. او در سراسر نوشته‌های متعدد خود، بیان می‌دارد که تمامی قدرت‌های بزرگ واقعی، قدرت‌های دریایی بودند. وی روسیه را به‌عنوان یک قدرت محصور در خشکی و بریتانیا را به‌عنوان یک قدرت دریایی با یکدیگر مقایسه می‌کند و نهایتاً می‌گوید در روسیه، وسعت بسیار زیاد، فاصله‌های زیاد و کافی نبودن ارتباط‌های داخلی، به شدت از وحدت سیاسی کشور جلوگیری می‌کند. بنابراین، روسیه اگر درهم شکسته نشود، حداقل بدون توسعه باقی خواهد ماند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۴)، اما بریتانیا که دارای موقعیت جزیره‌ای است، علی‌رغم وسعت محدودش، به یک قدرت جهانی تبدیل شده است. به نظر ماهان، در اروپا تنها بریتانیا به دلیل حالت جزیره‌ای و منزوی بودنش از حملات خارجی در امان مانده و برای دفاع از خود لازم نبود که متحمل هزینه‌های سنگین دفاعی شود؛ بنابراین، نیروی انسانی و ثروتش را در جهت توسعه قدرت دریایی به کار گرفت. از این گذشته، موقعیت جغرافیایی بریتانیا به‌گونه‌ای است که راه تجاری بنادر کشورهای اروپای شمالی و آتلانتیک از کانال انگلیس می‌گذرد و دلایل مشابهی از این قبیل، موجب شد که بریتانیا بتواند بیش‌تر نقاط راهبردی یا تقریباً همه‌ی مسیرهای تجارت جهانی را کنترل کند. مثلاً کنترل کانال سوئز، دماغه‌ی امیدنیک، دماغه‌ی هورن، هنگ‌کنگ، سنگاپور و تنگه‌ی ماژلان به بریتانیا موقعیتی کلیدی در اروپا، آسیا و اقیانوس آرام داده است و جزایر هند غربی بریتانیا بر راه‌های تجاری که از کانال پاناما می‌گذرد، پوشش داده است. ماهان سپس آمریکا را با بریتانیا مقایسه و در مورد آمریکا چنین استدلالی ارائه می‌دهد که آمریکا در مرزهایش فاقد کشوری تهدیدکننده است و علاوه بر این امتیاز، دارای مرزهای دفاعی و امنیتی ناشی از موقعیت دریایی است و به منابع آمریکای شمالی نیز دسترسی دارد. هم‌چنین واقع شدن بین دو اقیانوس کبیر و اطلس، می‌تواند این کشور را به

۱ - Admiral

یک قدرت دریایی عمده تبدیل کند. ماهان معتقد است که آمریکا از نظر جغرافیایی وضع مشابهی با انگلستان داشته و به منظور کشاندن پای آمریکا به صحنه‌ی دریاها و تبدیل این کشور به یک کشور استعمارگر مثل بریتانیا، نظریه‌های خود را ارائه می‌دهد. وی به آمریکا توصیه می‌کند که در جهت ایجاد یک نیروی دریایی قوی اقدام و در این خصوص پیشنهادهای نیز ارائه می‌دهد. روزولت رئیس‌جمهور آمریکا، کتاب ماهان به نام «تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ» را پسندید و پس از آن توسعه نیروی دریایی از اصول سیاست خارجی این کشور شد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۵۳)

ماهان بر اساس تجزیه و تحلیل قدرت دریایی بریتانیا و تاریخ دریایی جهان، شش عامل را که قدرت دریایی تا حد زیادی به آنها بستگی دارد، دسته‌بندی نموده که عبارتند از: (۱) موقعیت جغرافیایی؛ (۲) ویژگی‌های طبیعی؛ (۳) طول ساحل و وسعت قلمرو؛ (۴) جمعیت؛ (۵) خصوصیات ملی؛ (۶) خط‌مشی حکومت و رهبران سیاسی.

ماهان، توان کنترل دریاها را عامل کسب قدرت و دفاع از مستعمرات یک امپراتوری می‌داند. او از متفکرانی بود که قبل از اینکه واژه‌ی ژئوپلیتیک اختراع شود، راجع به تأثیر جغرافیا در تنظیم راهبرد جهانی در اواخر قرن نوزدهم، مطالب خود را به رشته‌ی تحریر درآورد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۵)

نظریه قلب زمین (سرهلفورد مکیندر، ۱۹۴۷-۱۸۶۱): مسائل ژئوپلیتیک انگلستان، همواره خارج از مرزهای آن قرار داشت و هم‌اکنون نیز چنین است. جغرافیا به‌عنوان یک اصل علمی، در بریتانیا بیش از دیگر کشورهای قاره اروپا، اهمیت و قداست یافته و جایگاه ویژه‌ای در تاریخ و فلسفه آن کشور پیدا کرد؛ بنابراین، در بریتانیا مؤثرترین دیدگاه‌های جغرافیایی شکل گرفت. (همان: ۹)

سرهلفورد مکیندر باهوش‌ترین و بانفوذترین متفکر ژئوپلیتیک انگلستان در ابتدای سال ۱۸۹۰ اظهار داشت: «موازنه‌ی قدرت جغرافیایی بر ضد بریتانیا متمایل گشته، و این کشور به‌طور جبری خود را بر پا داشته است.» وی در ادامه می‌گوید: «روند کنونی نشان می‌دهد که قدرت دریایی جهان که هم‌اکنون رهبری آن را بریتانیا بر عهده دارد، در آینده به خطر خواهد

افتاد. این دیدگاه متأثر از تفسیر تاریخ مکیندر است که کشور محور، به زودی حاکمیت خواهد یافت، مگر اینکه یک سری اقدامات علیه آن صورت گیرد؛ امری که رهبر حزب محافظه کار مجلس عوام انگلستان در مورد مکیندر می گوید: «مکیندر رشته های افکار را به هم وصل کرد و یک ایده ی کامل خلق نمود.» (همان: ۱۰) مکیندر مانند بقیه هموطنانش از افزایش قدرت امپراتوری آلمان در قاره اروپا، در هراس بود. برای او، تعالیم جغرافیایی حکم سلاحی را داشت که در جهت کارایی متناسب بین دول مقتدر به خصوص در بین بریتانیای کبیر و دولت آلمان بود. هدف وی به گونه ای، ایجاد تفکر استعماری برای تمام مردم بود؛ تفکری که باید در هر فضایی که گستره ی جهان است، گفته شود و برای به سرانجام رسیدن آن، آموزش های جغرافیایی باید هدایت شده باشد. به عبارت دیگر، جغرافیا، نظامی بود که انضباط به ارمغان آورد؛ توده های بی سواد را به تفکر به شیوه های سیاسی وا داشت که کارشناسانی نظیر مکیندر از آنها انتظار این گونه تفکر را داشتند. نظریه ی مکیندر در ژانویه ۱۹۰۴، تحت عنوان «محور جغرافیایی تاریخ» در برابر انجمن سلطنتی جغرافیا مطرح گردید. گفتگوی وی در این باب، هیجانی در آن زمان به وجود آورد و تعدادی از رهبران سیاسی هم حرف های او را شنید، ولی تقدیر این گونه بود که او در دهه ای بعد، هنگامی که در جریان جنگ جهانی دوم، آمریکایی ها و بریتانیایی ها، ژئوپلیتیک آلمان را شناخته و آن را با دیدگاه مکیندر منطبق یافتند، شهرت بیابد. خطابه ی مکیندر در تاریخ ژئوپلیتیک از سه جنبه اهمیت دارد:

- از نظر بررسی جهانی دیدگاه های مذهبی؛
 - از نظر تقسیم جهان به پهنه های وسیع ممالک؛
 - از نظر سرگذشت ادامه دار تأثیرات زمینه ساز در رشته های تاریخ و سیاست.
- این سه نوآوری در متن نوشته های مکیندر برای پیروان و طرفداران بعد او مهم بود. مکیندر برای ترسیم نظریه اش، نقشه جهان را به سه بخش تقسیم کرد:
- هلال بیرونی یا سرزمین های خارجی که در برگیرنده آمریکا، آفریقا و اقیانوس هاست؛

- هلال درونی یا حاشیه‌ای دربرگیرنده اروپا و آسیای جنوبی؛
- مناطق محور یا مرکزی که در قلب خشکی بزرگ اوراسیا واقع شده است.

از نظر مکیندر کنترل‌کننده‌ی منطقه محور، قدرت جهانی می‌باشد. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲۱)

عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک: عواملی که در ژئوپلیتیک مؤثرند، به دو دسته‌ی اساسی تقسیم می‌شود. برخی از این عوامل ثابت و پایدار بوده و درجه تأثیر آنها قطعیت بیش‌تری دارد که در این مورد می‌توان از عامل جغرافیا نام برد. بعضی از عوامل نیز از ثبات و استمرار کمتری برخوردار بوده و درجه‌ی تأثیر آنها متغیر است. بنابراین، درجه‌ی تأثیر، ثبات و استمرار همه‌ی عوامل مؤثر بر سیاست خارجی یکسان نیست. در اینجا مفاهیم ثابت و متغیر به صورت مطلق مورد نظر نیست، بلکه صورت نسبی آنها مورد توجه است. (جعفر ولدانی، ۱۳۸۲: ۲۲) عوامل جغرافیایی بسته به اوضاع و احوال کشورها و شیوه‌های آنها در به‌کارگیری و استفاده از این عوامل در سیاست داخلی و خارجی، می‌تواند نتایج مثبت و یا منفی به بار آورد، ولی دولت‌ها می‌کوشند با توجه به نوع و میزان قدرت‌آفرینی عوامل جغرافیایی از آنها استفاده کنند تا به این وسیله بتوانند اراده‌ی سیاسی خود را در عرصه‌های داخلی یا بین‌المللی عملی نمایند. بهره‌برداری از عوامل جغرافیایی به قدرت و توانایی کشورها بستگی دارد. اگر کشوری توانایی لازم را برای استفاده از این عوامل نداشته باشد، کشورهای دیگر از آن بهره‌برداری خواهند کرد. (جعفر ولدانی، ۱۳۸۷: ۳)

عوامل ثابت

موقعیت جغرافیایی: کشور ترکمنستان به صورت مستقیم به آب‌های آزاد راه نداشته و به طور کلی می‌توان آن را سرزمینی محصور در خشکی‌ها دانست، ولی به لحاظ راهبردی از موقعیتی حساس برخوردار می‌باشد، زیرا که راه ورود و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای به منطقه آسیای مرکزی است که این خود به نوعی می‌تواند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی بگذارد. (رشیدی، ۱۳۹۳: ۵۹)

وسعت خاک: ترکمنستان سرزمینی هموار است که بجز رشته کوه‌هایی در جنوب و شمال غربی، سراسر آن را سرزمین‌های کم ارتفاع، بیابانی و شنزار پوشانده است. کوه‌های پاراپامیز و کپه‌داغ، مهم‌ترین رشته کوه‌های ترکمنستان در جنوب و جنوب غربی کشور واقع‌اند. کپه‌داغ که ارتفاعات مرزی ترکمنستان با ایران را تشکیل می‌دهد، از کرانه‌های دریای مازندران شروع و در جهت شرق تا هریرود (تجن) امتداد می‌یابد و ارتفاعات بلخان بزرگ و کوچک از بلندی‌های معروف آن است. وسعت این کشور ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. بیش از ۹۰٪ خاک ترکمنستان را سرزمین‌های هموار بیابانی تشکیل می‌دهد. کویر قره‌قوم بزرگ‌ترین و معروف‌ترین این بیابان‌ها است که بیش از ۳۵۰ هزار کیلومتر وسعت دارد، و یکی از بزرگ‌ترین کویرهای شنی جهان است که حدود ۸۰٪ کل مساحت ترکمنستان را پوشانیده است. این کویر نواحی غربی، مرکزی و شمالی ترکمنستان را در بر گرفته، و ادامه‌ی آن به قزاقستان هم کشیده شده است. (سارلی، ۱۳۷۹: ۷)

وضع توپوگرافی (هندسه زمین): توپوگرافی یا همان شکل خارجی زمین، شامل پدیده‌های مختلفی از جمله: مرزها، شبکه‌ی آب‌ها و وضع ناهمواری‌ها است. کشور ترکمنستان با جمهوری اسلامی ایران از جنوب دارای (۱۲۰۰ کیلومتر) مرز مشترک می‌باشد. رودهای مختلفی در سرزمین ترکمنستان جریان دارند، رودخانه اترک از ایران سرچشمه می‌گیرد و قسمتی از مرز ایران و ترکمنستان را در شمال ایران تشکیل داده و در نهایت به دریای خزر وارد می‌شود. تجن، یکی از منابع آب جاری دیگر مشترک بین افغانستان، ایران و ترکمنستان است و از افغانستان سرچشمه می‌گیرد. قسمتی از مرز مشترک ایران و افغانستان را تشکیل داده و سپس قسمتی از مرز ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد و به طرف شمال از مرز خارج شده و نهایتاً از شهر تجن عبور می‌کند و در ریگزارهای شالآن فرو می‌رود. (سارلی، ۱۳۷۳: ۱۲) به لحاظ ساختار سطح زمین ترکمنستان شامل دشت‌های بیابانی و فلات کم ارتفاعی است، بیش از ۸۰ درصد سرزمین ترکمنستان را صحراهای شنی و بقیه آن را زمین‌های بایر، کوه‌ها، رودها، مرداب‌ها و زمین‌های کشاورزی فرا گرفته است. (رشیدی، ۱۳۹۳: ۶۲)

ترکمنستان از نظر منابع معدنی بسیار غنی است. منابع معدنی عمده آن عبارتند از: ۱- ذخایر فراوان نفت و گاز طبیعی؛ ۲- ذخایر ید، برم، سولفات سدیم طبیعی، سولفور پتاس، بتونیت، موم معدنی، سرب، روی، مس، جیوه و نمک معمولی؛ ۳- مصالح گوناگون ساختمانی نظیر شن، خاک رس و سنگ آهک. (حسین‌پور، ۱۳۷۳: ۳۳۲) ترکمنستان پس از کشورهای آمریکا، کانادا و روسیه، چهارمین تولیدکننده گاز دنیا محسوب می‌شود که ذخایر آن بالغ بر ۱۲ تریلیون متر مکعب برآورد شده است. دارا بودن منابع گاز طبیعی فراوان و اهمیت روزافزون آن وضعیت آینده ترکمنستان را در معادلات جهانی انرژی روشن می‌سازد. علاوه بر ذخایر گاز طبیعی، ذخایر نفت این کشور ۶۰۰ میلیون بشکه برآورد شده است. در بخش ذخایر نفت دلایلی از جمله تولید غیرمتعارف و زیاد در گذشته، افت فشار و قدرت تولید، تزریق نشدن گاز به میادین نفتی، عدم سرمایه‌گذاری در میادین، پر بودن ظرفیت پالایشگاه‌ها و عدم صدور آن، عدم استقبال شرکت‌های بزرگ و متوسط اروپایی به دلیل عدم رضایت از چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در این بخش، این کشور را از اهمیت راهبردی در معادلات جهانی انرژی خارج نموده است. در حال حاضر، صادرات نفت از طریق معاوضه نفت با ایران انجام می‌شود. در طرح معاوضه، ایران نیازمندی‌های مناطق شمالی خود را از طریق نفت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز (ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان) تأمین و حجم یا ارزش مساوی آن را در خلیج فارس تحویل می‌دهد. (Bayulgen, Oksa, ۲۰۰۹)

شکل کشور: شکل هندسی نقش فوق‌العاده‌ای در سرنوشت سیاسی کشورها دارد. مراد از آن فاصله قطره‌های یک کشور تا مرکز جغرافیایی آن است. اصل شکل هندسی کشور تعیین کیفیت اعمال قدرت مرکزی بر پهنه کشور است. ترکمنستان جزو کشورهای طویل یا دراز می‌باشد؛ کشوری که در ازای آن تقریباً سه برابر متوسط پهنای آنها باشد. (رشیدی، ۱۳۹۳: ۶۵)

عوامل متغیر

جمعیت: جمعیت یک کشور یکی از عوامل مؤثر و تعیین‌کننده در سیاست خارجی آن است. جمعیت کشور ترکمنستان در سال ۲۰۰۹ میلادی بالغ بر ۹ میلیون نفر تخمین زده شده که بر اساس

سیاست‌های تشویقی دولت با رشد ۲/۹۳ درصدی در سال همراه گردیده است.
(www.turkmenstudents.com)

منابع طبیعی: اقتصاد ترکمنستان مبتنی بر مالکیت دولتی بوده و سهم بخش خصوصی در تجارت داخلی و خارجی در مجموع در فعالیت‌های اقتصادی ناچیز است. سیستم اقتصاد دولتی با مشکلات و معضلات عدیده‌ای از جمله عدم تحرک به دلیل فقدان روحیه ابتکار، و تلاش فردی، کم‌کاری و رکود، سختی پیشبرد امور به واسطه تشکیلات عریض و طویل اداری و بوروکراسی فلج‌کننده، عدم انباشت سرمایه و نبود امکان سرمایه‌گذاری، فقر فناوری و فقدان تخصص و دانش فنی و ... دست به گریبان بوده و به تعبیری اقتصاد ترکمنستان تک‌محصولی است. گاز و پنبه مهم‌ترین تولیدات این کشورند که از طریق فروش آنها ارز لازم برای تأمین سایر نیازمندی‌ها به دست می‌آید. ترکمنستان پس از ازبکستان بزرگ‌ترین تولیدکننده پنبه در جهان است. (رشیدی، ۱۳۹۳: ۶۶)

نهادهای سیاسی - اجتماعی: جمهوری ترکمنستان که در سال ۱۹۹۱ و در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، به‌عنوان یک کشور مستقل پا به عرصه وجود گذاشت، از نظر سیاسی و حاکمیتی دارای ساختاری کاملاً متمایز از سایر کشورهایی است که با عنوان جمهوری اداره می‌شود. قانون اساسی ترکمنستان مشتمل بر ۸ بخش و ۱۱۶ ماده است که در تاریخ ۱۸ ماه می ۱۹۹۲ به تصویب رئیس جمهوری ترکمنستان رسیده است. مجمع یا شورای مصلحت خلق بالاترین و مهم‌ترین دستگاه حکومتی در ترکمنستان است. اعضای این مجمع شامل رئیس جمهور، اعضای مجلس نمایندگان مردم، رؤسای دادگاه عالی، دادگاه عالی اقتصادی، دادستان کل، اعضای هیئت وزیران، رئیس اداری استان‌ها، رئیس شورای شهرداری‌ها (شهرداران)، رؤسای شهرها و روستاها که دارای موقعیت مرکز اداری بخش‌ها هستند، می‌باشند. اصلاح یا تغییر قانون اساسی و پذیرش تقسیمات سیاسی اداری، پذیرش یا رد عضویت در پیمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، صدور فرمان جنگ و پذیرش صلح و مسائل دیگر که قانون تعیین می‌کند، از جمله وظایف این مجمع می‌باشد. مصوبات این مجمع برای تمام دستگاه‌های دولتی و غیردولتی لازم الاجرا می‌باشد. رئیس جمهور

ترکمنستان رئیس قوه مجریه و رئیس دولت و عالی‌ترین مقام دولتی ترکمنستان است. مجلس ترکمنستان دارای ۵۰ نماینده است که از مناطق مختلف این کشور انتخاب می‌شوند. قوه قضائیه در این کشور شامل دادگاه عالی، دادگاه عالی اقتصادی، دادگاه‌های نظامی و دادگاه‌های که توسط قانون‌گذار تعیین می‌شوند، می‌باشند. دادستان کل و معاون دادستان کل و دادستان‌های شهرها و بخش‌ها و قضات همه دادگاه‌ها توسط رئیس جمهور منصوب می‌شوند. (همان: ۶۷)

پیشینه تاریخی ترکمنستان: ترکمنستان از شش هزار سال پیش مسکونی بوده که ساکنان اولیه این سرزمین قبائلی مانند مسکت که به زبان آریایی تکلم می‌کردند، در این منطقه ساکن بودند. این کشور از قرن چهارم تا ششم قبل از میلاد بخشی از امپراتوری هخامنشی بوده و سپس به دست پارت‌ها افتاد. بعداً ساسانیان بر آن غلبه پیدا کردند. در اوایل قرن ششم میلادی قبائل ترک و جنوب غربی آسیای مرکزی سرازیر شدند که در این هنگام نفوذ فرهنگ ترک‌ها باعث تغییر زبان از فارسی به ترکی شد و تا شمال خراسان پیش رفتند. اعراب مسلمان در اواسط قرن هفتم میلادی به خراسان حمله و پایتخت خود را در مرو یا ماری ایجاد کردند. با وجود اسلام این سرزمین جزئی از ایران شد. غزنویان در قرن نهم میلادی سلسله بر این منطقه حکومت می‌کردند. هنگامی که مغول‌ها به آسیای میانه و ایران حمله کردند و ترکمنستان را به اشغال خود درآوردند، از قرن پانزدهم تا قرن هفدهم در زمان سلسله صفویه این منطقه به تصرف ایرانیان درآمد و شاه عباس صفوی در قرن شانزدهم حدود پانزده هزار گُرد را در کوهستان‌های کپه‌داغ مستقر کرد. بعداً نادرشاه در اوایل قرن هیجدهم به منطقه حمله و شهرهای مهم آن را به تصرف خود درآورد. (سارلی، ۱۳۷۳: ۹)

ترکمنستان در ۳۰ آوریل ۱۹۱۸ به‌عنوان جمهوری خودمختار شوروی سوسیالیستی اعلام موجودیت کرد و در سال ۱۹۲۵ به‌عنوان جمهوری ترکمنستان یکی از جماهیر اتحاد شوروی گردید. سرانجام بعد از ۷۰ سال در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱ میلادی ترکمنستان بعد از فروپاشی شوروی اعلام استقلال نمود. ویژگی‌های کشور ترکمنستان برای ایران عبارت است از:

(۱) وجود مرز مشترک طولانی آبی و خاکی و اهمیت سیاسی امنیت آن بین دو کشور؛

- ۲) وجود اشتراکات مذهبی و مسلمان بودن اکثریت جمعیت ترکمنستان؛
 - ۳) ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و قومیتی که خود به خود موجب نزدیکی دو ملت می‌شود؛
 - ۴) استفاده از راه‌های ترکمنستان برای دسترسی به بازارهای آسیای میانه یا مرکزی؛
 - ۵) تأثیرات مثبت یا منفی و وضعیت سیاسی، نظامی و اقتصادی ترکمنستان در امنیت ملی ایران؛
 - ۶) وجود منابع غنی انرژی فسیلی و دریایی در دریای خزر و لزوم همکاری و هماهنگی در کشور برای بهره‌برداری.
- کشور ترکمنستان نیز به دلایل زیر به رابطه با جمهوری اسلامی ایران اهمیت و ارزش بالایی می‌دهد:

- ۱) استفاده از وزنه ارتباط با ایران برای ایجاد توازن سیاسی در روابط خارجی منطقه‌ای؛
- ۲) استفاده از توانمندی‌ها و امکانات اقتصادی ایران در جهت بازسازی اقتصاد ملی؛
- ۳) اشتراکات تاریخی، مذهبی، قومی، فرهنگی؛
- ۴) استفاده از امکانات حمل و نقل ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد.

امنیت: مفهومی غیر توسعه‌یافته، مبهم، نارسا، ماهیتاً جدال‌برانگیز و شخصیتاً متباین و متناقض است. در زبان عربی به معنای بی‌هراس بودن و آرامش است. امنیت حرکتی است ضد ترس، ضد ضعف و مکان امن؛ هم‌چنین جایگاهی است که عالی‌ترین احساس و عواطف انسانی در آن رشد و نمو کرده است. دایره‌المعارف بزرگ لاروس ذیل واژه آورده است: وضعیتی که شخص در آن از خطر واهمه ندارد و آرامش نفسانی از آن حاصل می‌شود. در واژه‌نامه دپو از امنیت این مفاهیم به دست می‌آید: حالت نفسانی قابل‌اعتماد و آرام که انسان خود را مصون از خطر می‌یابد و وضعیت و حالت آرامی که از فقدان خطر به دست می‌آید. در زبان انگلیسی نیز ذیل واژه امنیت، حالت یا احساس آزاد بودن از ترس و بیمناکی آمده است.

(بشیری، ۱۳۸۸)

از نظر لغوی کلمه‌ی امنیت ریشه در واژه «امن» از زبان عربی دارد و به معنای در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر می‌باشد. در تعریف لغوی امنیت می‌توان گفت: «حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود.» (آشوری، ۱۳۸۴، ۳۸) از لحاظ اصطلاحی واژه امنیت در فلسفه، عرفان، جامعه‌شناسی، مذهب، سیاست و سایر رشته‌ها حامل مفاهیم متفاوت است، اما برداشت قریب به عموم تعاریف از امنیت در علم سیاست این است که نظام کشور از ثبات نسبی برخوردار بوده، واحدهای سیاسی از خطرات جدی محیط داخلی و خارجی نسبتاً مصون باشند. (ولی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۰)

امنیت ملی^۱: دانش‌نامه بین‌المللی علوم اجتماعی، «امنیت ملی» را «توان یک کشور در حفظ ارزش‌های خودی در برابر تهدیدهای خارجی» و یا «احساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های ملی و ترس از خطر جدی نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور» تعریف کرده است. (بهادی، ۱۳۶۹، ۱۰۱) بنابراین، «امنیت» یعنی تضمین ایمنی قراردادی تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال بروز جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه و قصد حفاظت از صلح به‌عنوان شرط طبیعی بین دولت‌ها و نیز یعنی «مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت و دور ماندن از مخاطرات تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع.» (آقابخشی، ۱۳۷۵: ۳۵۲)

امنیت ملی مصونیت نسبی یا مطلق یک کشور از حمله مسلحانه یا خراب‌کارانه سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با وارد کردن ضربه‌کاری و مرگبار است. در صورت حمله، امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد دفاعی کشور است؛ یعنی آمادگی برای مخاصمه به خاطر باز داشتن آن یا دوری گزیدن از آن؛ با این همه، خود سیاست‌های مربوط به امنیت ملی ممکن است در شرایط به خصوصی (مثل مسابقه تسلیحاتی و کنترل تسلیحات) موجب ناامنی گردند. روحیه نیروهای نظامی، تعداد و هوشمندی دانشمندان، فناوری، ویژگی‌های رهبران و شخصیت‌های سیاسی و نظامی، موقعیت ژئوپولیتیکی و قدرت اقتصادی کشور از جمله عوامل مؤثر در امنیت ملی هستند. (همان: ۲۵۴)

سیر تاریخی تعریف امنیت در جهان: امنیت در سیر تاریخی خود، چهار تحول گفتمانی بر اساس چهار دوره خاص تاریخی را طی کرده و در هر گفتمان، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاصی را تجربه نموده است: (خلیلی، ۱۳۸۴: ۹۷)

(۱) **جامعه بدوی - گفتمان سستی:** در این گفتمان، «امنیت» به معنای «حفظ بقا و موجودیت» در صدر همه قرار گرفته و منشأ اصلی تهدید نیز طبیعت دانسته شده است. (همان: ۱۰۳)

(۲) **جامعه مدنی - گفتمانی سستی:** در این گفتمان، «امنیت» به معنای «فقدان تهدید» تعریف شده و منشأ اصلی تهدید نیز جنگ به شمار آمده است. (همان: ۱۱۳)

(۳) **جامعه مدنی - گفتمان نوین:** در این گفتمان، فقدان تهدید زمانی معنادار است که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از آن قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد. به عبارت دیگر، در گفتمان نوین، بر اساس نوعی نگرش ایجابی، تأکید بر کسب قدرت و توانایی ملی است و چنین نگرشی نتیجه منطقی تشکیل دولت‌های جدید بر اساس مفهوم «حاکمیت» است که اقتدار در چارچوب مرزهای ملی و استقلال در روابط خارجی را معنادار ساخته‌اند و منشأ اصلی تهدید قدرت طلبی است. (همان: ۱۲۳)

(۴) **جامعه جهانی - گفتمان فرانونین:** در این گفتمان، «امنیت» به معنای «همکاری و همگرایی» است، آن هم به خاطر برداشت ایده‌آلیستی که همکاری دولت‌ها را امری اخلاقی و ارزشی و نتیجه خوش‌بینی به انسان و اعتماد به عقل خود بنیاد انسانی دانسته که پیامد آن صلح پایدار بر اساس ارزش‌های مشترک بشری است. منشأ اصلی تهدید در این گفتمان، دولت است. بنابراین، برای جلوگیری از این فرآیند که برخی دولت‌ها تهدیدی برای امنیت دیگر دولت‌ها محسوب می‌شوند، برای مهار و جلوگیری از تهدید امنیت، آنها تلاش می‌کنند که به هم نزدیک‌تر شوند. (همان: ۱۳۱)

امنیت سیاسی: امنیت سیاسی یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی است و به مفهوم آن است که تهدیدی علیه آزادی‌های سیاسی احزاب، ساختارهای سیاسی فعالان سیاسی، مسئولان حکومتی و روند مطلوب و اثربخشی اداره امور داخلی و خارجی کشور وجود نداشته باشد. (تهامی، ۱۳۹۰:

۴۳) اصطلاح یا مفهوم «امنیت سیاسی» را نخستین بار بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» در بحث از «اقسام امنیت جامعه» طرح و تفصیل داد. از نظر وی امنیت جوامع بشری به پنج دسته‌ی امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم می‌گردد که البته سخت به یکدیگر مرتبط هستند. (بوزان، 1378: 34) امنیت سیاسی، یکی از موضوعات کلان امنیت است که خود، سطوح و موضوعات جزئی‌تری را دربر دارد. بر این اساس، گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت نظام سیاسی است (سطح کلان) و گاهی منظور از امنیت سیاسی امنیت آزادی‌های سیاسی افراد است (سطح خرد). (رحمت‌الهی، لکزایی، ارسطا، حاجزاده، ۱۳۹۴: ۱۲۰)

عوامل تأمین‌کننده امنیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی^(ره): امام خمینی ضرورت تأسیس و مراقبت از حکومت اسلامی را عنصر اصلی اندیشه‌ی سیاسی اسلامی دانسته و بدین قرار، امنیت در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی عمدتاً در هیئت امنیت سیاسی ظاهر می‌شود؛ حفظ حکومت اسلامی از واجبات است و همه باید در جهت رفع تهدیدهای آن کوشش کنند و این فریضه‌ای فقهی است. ایشان در پی تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران و پدیدار شدن فرصت‌ها و نهادهای لازم، به اموری مثل نماز جمعه، جماعات، حج، تعادل و همکاری مردم، تظاهرات و راهپیمایی، انتخابات، همه‌پرسی و... اهمیت جدی داده و تأثیر آنها را بر امنیت سیاسی یادآوری می‌کند. (داوری اردکانی، شاکری، ۱۳۸۸: ۸۰) حضرت امام خمینی^(ره) با اشاره به گزاره‌های مشهور از آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس مبنی بر اینکه «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست»، کوشیدند ایده‌ی جدایی‌ناپذیری حکومت و دین را در اندیشه‌ی خود بر عقل و نقل استوار کنند، تا ضمانتی محکم برای امنیت سیاسی بیابد. از آنجا که نفس مبارزه با حکومت و تأسیس حکومت اسلامی یکی از فروع دین است که به اصولی مثل توحید، عدل و امامت در جامعه تجسم و عینیت می‌بخشد، حکومت و دیانت در اندیشه سیاسی امام خمینی، پیوندی ناگسستنی یافته است. هرگونه خطر یا تهدیدی برای حکومت اسلامی، در عمل تهدیدی متوجه دین خواهد بود. از این نقطه عزیمت است که امنیت در اندیشه سیاسی امام خمینی به امنیت سیاسی می‌گراید و چنانچه آسیبی به نظام سیاسی برسد،

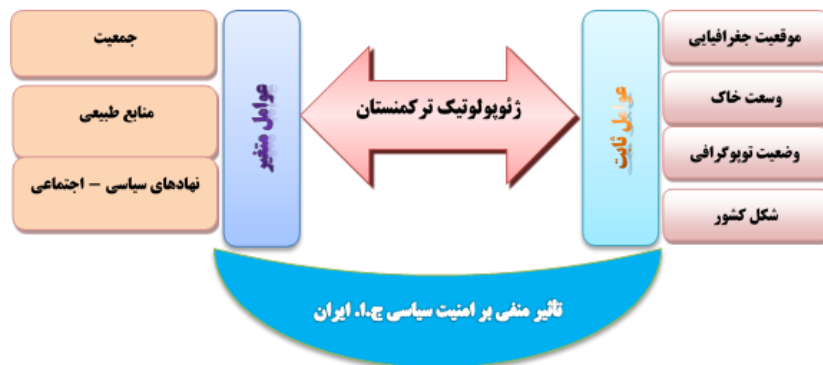
سایر ابعاد امنیت مثل امنیت فردی و اجتماعی هم در خطر خواهد بود و مسئولیت در این زمینه، متوجه همگان است. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۸۵)

امنیت سیاسی از منظر مقام معظم رهبری: «امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگانه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعانی که علی‌الظاهر شیرین هم هست، زهر مخلوط نکنند؛ این امنیت سیاسی است. آن قلمی که برمی‌دارد بیست سال تلاش و مجاهدت مظلومانه و فداکارانه این ملت را در مقابله با قدرت‌های زورگوی چپ‌اولگر دشمن ظالم انکار می‌کند، این امنیت سیاسی کشور را به هم می‌زند و ناامنی فکری ایجاد می‌کند.» (دیدار نیروهای سپاه و بسیج لشکر پنج نصر، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰)

ژئوپلیتیک ترکمنستان و امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران: یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی کشورها، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی آنهاست. به عبارت دیگر، سیاست خارجی به‌عنوان یک متغیر وابسته تا اندازه زیادی متأثر از محدودیت‌های ژئوپلیتیکی است. امروزه منافع ملی کشورها مهم‌ترین معیار برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی است، اما نباید فراموش کرد که منافع ملی واقع بینانه در ارتباط با ظرفیت اقدام حکومت‌ها تعریف می‌شود و یکی از اساسی‌ترین عوامل در تعیین توان ملی، ژئوپلیتیک است. علی‌رغم سابقه بسیار اندک ترکمنستان در صحنه روابط بین‌الملل، دستگاه سیاست خارجی این کشور در انجام وظایف خود توفیق نسبی داشته است. سیاست خارجی ترکمنستان مطابق خواست رهبر این کشور تنظیم و اجرا می‌شود. ترکمنستان در سیاست خارجی خود بر اصل بی‌طرفی اصرار داشته و علاقمند به ایجاد روابط نزدیک با همه کشورهای جهان است، اما در حقیقت سیاست و روابط خارجیش به چند کشور و سازمان بین‌المللی نظیر جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان، پاکستان، هند، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، آذربایجان،

ارمنستان، گرجستان و ...، خلاصه می‌شود. مبنای برقراری و توسعه روابط ترکمنستان با تمامی کشورها، منافع ملی این کشور است و روابط خارجی ترکمن‌ها از هرگونه رنگ و بوی ایدئولوژیک مبرا است. احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی سایرین، و پرهیز از اختلافات و تشنج، از اصول سیاست خارجی ترکمنستان است. ترکمنستان در ۱۲ دسامبر ۱۹۹۵ میلادی از طرف سازمان ملل متحد با ۱۸۱ رأی به‌عنوان کشور بی‌طرف در جهان شناخته شد. اولویت سیاست خارجی ترکمنستان، توسعه روابط با کشورهای همسایه و سپس با سایر کشورهاست. (سارلی، ۱۳۷۳: ۲۲۸) در زمینه روابط خارجی، بعد از فروپاشی شوروی سابق، کشورهای آسیای مرکزی از جمله ترکمنستان توجه کشورهای همجوار نظیر ترکیه، هند، پاکستان، و به‌ویژه کشورهای غربی و ... را به خود جلب کرده و این کشورها شروع به سرمایه‌گذاری‌های عظیم سیاسی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی در این جمهوری نمودند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران با جمهوری ترکمنستان نه تنها دارای پیوندهای تاریخی و فرهنگی می‌باشد، بلکه دارای مرز مشترک آبی و خاکی نیز هست. با این حال، ایران با داشتن موقعیت عالی و برتر در قبال ترکمنستان، قصد توسعه نفوذ نداشته، بلکه کمک به کشورهای مسلمان همجوار از اصول بدیهی و مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. خاک جمهوری اسلامی ایران، بهترین، سریع‌ترین و نزدیک‌ترین راه ارتباطی ترکمنستان با سایر کشورها و بازارهای بین‌المللی خصوصاً منطقه خلیج فارس و آسیای جنوب شرقی است؛ از طرفی توان اقتصادی نسبتاً مناسب ایران در حل مشکل اقتصادی ترکمنستان مفید خواهد بود؛ بنابراین، قبل از این که دیگر کشورهای لائیک بتوانند موقعیت خود را گسترده نمایند، حضور ایران برای برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایجاد ارتباط تجاری، اقتصادی و صنعتی با این کشور الزامی است. (وصالی، ۱۳۷۶: ۱۷۸)

مدل مفهومی تحقیق



تجزیه و تحلیل داده های تحقیق: جمهوری ترکمنستان به عنوان یکی از کشورهای تازه استقلال یافته و به عنوان یکی از همسایگان شمالی ایران برای توسعه ارتباطات منطقه‌ای و جهانی وابستگی حیاتی با جمهوری اسلامی ایران دارد. این کشور به دلیل داشتن منابع انرژی و عدم همجواری با آب‌های آزاد نیازمند ارتباط مناسب با ایران است. روابط اقتصادی دو کشور در بعد دوجانبه در بخش تجارت، انرژی، گاز و سرمایه‌گذاری ضرورتی ملموس است که با ارزیابی‌های انجام شده در حال گسترش و تحکیم است. ترکمنستان در گسترش همکاری‌های منطقه‌ای ایران و در آسیای مرکزی نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. علاوه بر مشترکات عمیق تاریخی و فرهنگی میان دو ملت وجود مرزهای طولانی عامل مهمی در توسعه مناسبات فی‌مابین است. منافع ملی و امنیتی ایران حکم می‌کند تا در ترکمنستان ثبات سیاسی حاکم باشد. به هر اندازه این کشورها با ثبات‌تر و از انسجام داخلی بیش‌تری برخوردار باشند، از میزان وابستگی آنها به دیگر کشورهای فرامنطقه‌ای کاسته خواهد شد. تقویت روابط با ترکمنستان می‌تواند به ارتقای موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی منجر گردد. در این قسمت، در ابتدا به صورت مسأله محور به توصیف یافته‌ها و داده‌های تحقیق در قالب جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی پرداخته شده است و سپس نسبت به تجزیه و تحلیل هر یک از شاخص‌های مرتبط با عوامل تأثیرگذار ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش‌های توصیفی که در ادامه توضیح داده خواهد شد نیز اقدام گردیده است و در نهایت، به ارزیابی فرضیه‌ی تحقیق و توصیف

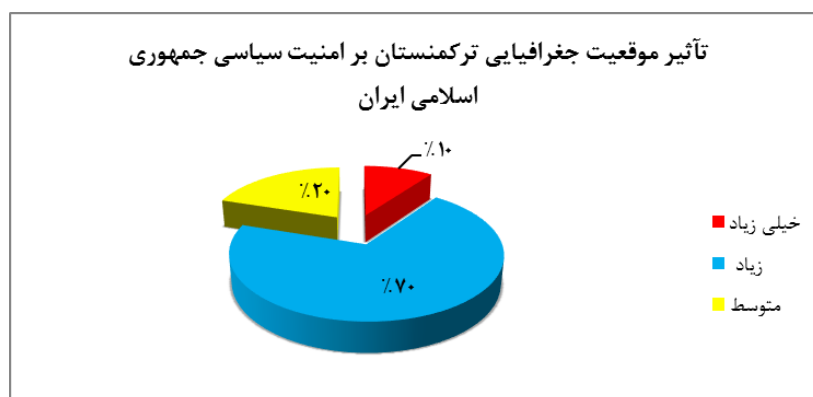
یافته‌ها و داده‌های تحقیق در قالب جداول توزیع فراوانی و نمودارهای استنباطی پرداخته شده که به‌عنوان نمونه یکی از عوامل تأثیرگذار بیان گردیده است.

تأثیر عامل ۱: به نظر جنابعالی موقعیت جغرافیایی کشور ترکمنستان چه تأثیری و به چه میزان بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار می‌باشد؟

از مجموع پاسخ‌های دریافتی از حجم جامعه‌ی نمونه‌ی آماری، ۱۰ درصد تأثیر منفی موقعیت جغرافیایی کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران را خیلی زیاد، ۷۰ درصد زیاد و ۲۰ درصد متوسط می‌دانند که می‌توان چنین استنباط نمود که این عامل تأثیر منفی قابل ملاحظه‌ای بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران دارد.

جدول شماره‌ی ۱: توزیع درصد تأثیر عامل ۱ بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران

| طبقه | فراوانی | درصد فراوانی | درصد فراوانی تجمعی | میانگین |
|-----------|---------|--------------|--------------------|---------|
| خیلی زیاد | ۱ | ۱۰ | ۱۰ | ۳/۹ |
| زیاد | ۷ | ۷۰ | ۸۰ | |
| متوسط | ۲ | ۲۰ | ۱۰۰ | |
| کم | ۰ | ۰ | | |
| خیلی کم | ۰ | ۰ | | |
| جمع | ۱۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۳/۹ |



نمودار شماره‌ی ۱: توزیع درصد تأثیر عامل ۱ بر امنیت سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران

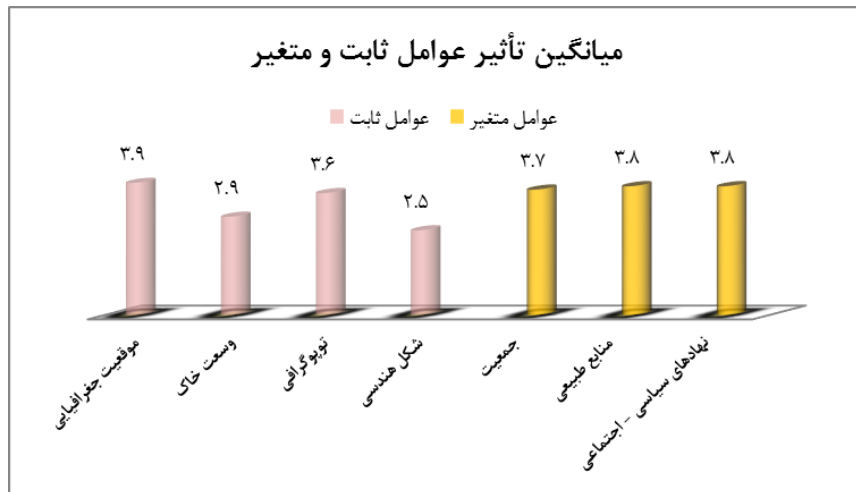
در خصوص عوامل ثابت و متغیر جواب پاسخگویان به شرح زیر می‌باشد:

از مجموع جواب پاسخگویان، مؤلفه‌ی تأثیر عوامل ثابت ژئوپلیتیک (موقعیت جغرافیایی، وسعت خاک، وضعیت توپوگرافی، شکل هندسی) کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، موقعیت جغرافیایی با میانگین ۳/۹ درصد، وسعت خاک با ۲/۹ درصد، وضعیت توپوگرافی با ۳/۶ درصد و شکل هندسی کشور ترکمنستان با ۲/۵ درصد بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی دارای تأثیر تقریباً زیاد و منفی می‌باشد.

هم‌چنین از مجموع جواب پاسخگویان، مؤلفه‌ی تأثیر عوامل متغیر ژئوپلیتیک (جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی - اجتماعی) کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جمعیت با میانگین ۳/۷ درصد، منابع طبیعی با ۳/۸ درصد و نهادهای سیاسی - اجتماعی کشور ترکمنستان با ۳/۸ درصد دارای تأثیر تقریباً زیاد و منفی بوده که به شرح زیر ترسیم گردیده است:

جدول شماره‌ی ۲: تأثیر عوامل ثابت و متغیر بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

| مؤلفه | عامل | میانگین |
|-------|-------------------------|---------|
| ثابت | موقعیت جغرافیایی | ۳/۹ |
| | وسعت خاک | ۲/۹ |
| | وضعیت توپوگرافی | ۳/۶ |
| | شکل هندسی | ۲/۵ |
| متغیر | جمعیت | ۳/۷ |
| | منابع طبیعی | ۳/۸ |
| | نهادهای سیاسی - اجتماعی | ۳/۸ |



نمودار شماره‌ی ۲: تأثیر عوامل ثابت و متغیر بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

پاسخ سؤال تحقیق

ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

برای پاسخ به سؤال تحقیق و هم‌چنین تأیید فرضیه تحقیق مبنی بر این که ژئوپلیتیک ترکمنستان، تأثیرات منفی را در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است، می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که با توجه به جمع‌آوری پاسخ‌های جامعه نمونه‌ی آماری و تجزیه و تحلیل موارد طرح شده، عوامل متغیر ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان تأثیرات منفی بیش‌تری از عوامل ثابت آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران داشته و چنین می‌توان بیان داشت که ژئوپلیتیک کشور ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران تأثیر منفی دارد. پس فرضیه تحقیق هم به استناد پاسخ‌های فوق و موارد پیش گفته تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل انجام شده به شرح فصل‌های پیش‌گفته که حاصل مطالعات نظری و تحقیقات میدانی می‌باشد، به سؤال تحقیق به شرح ذیل پاسخ داده می‌شود:

پاسخ سؤال تحقیق

سؤال تحقیق: ژئوپلیتیک ترکمنستان چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی دارد؟
 با توجه به تجزیه و تحلیل پیش گفته، در پاسخ به سؤال تحقیق و تأیید فرضیه‌ی پژوهش، ژئوپلیتیک ترکمنستان، تأثیرات منفی را در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در قالب مؤلفه‌های دوگانه عوامل ثابت مشتمل بر چهار عامل و عوامل متغیر، مشتمل بر سه عامل به شرح پیش گفته تعیین گردیدند که عوامل متغیر (جمعیت، منابع طبیعی و نهادهای سیاسی - اجتماعی) مؤثرترین عوامل به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر در تأثیر منفی ژئوپلیتیک ترکمنستان در امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

پیشنهادات به مسئولان: با توجه به نتایج به‌دست آمده در این تحقیق و تعیین تأثیرگذاری ژئوپلیتیک ترکمنستان بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان پیشنهادهای زیر را به مسئولان و هم‌چنین محققین و پژوهشگران علاقمند به تحقیق در این راستا ارائه نمود:

ضرورت توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان: وجود ارزش‌های مشترک در نظام‌های سیاسی موجود در دنیا یکی از راه‌های مهم و تأثیرگذار همکاری‌های متقابل است. کشور ترکمنستان به‌عنوان یکی از واحدهای سیاسی و یکی از جمهوری‌های آسیای مرکزی از این قواعد حاکم مستثنی نبوده و بعد از کسب استقلال باید اولویت‌های برقراری روابط بین‌المللی خود را انتخاب نماید. جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود جاذبه‌های زیادی برای کشورهای آسیای مرکزی و از جمله ترکمنستان دارد. به لحاظ جغرافیایی دو کشور دارای وابستگی‌های مشترک بسیار بوده و می‌توانند نقش برجسته‌ای را در پیوند کشورهای منطقه با شرق آسیا و استفاده از آب‌های آزاد و اتصال به اروپا ایفا نمایند. کشور ترکمنستان نیازمند به نوعی گریز از مرکز (وابستگی به روسیه) است که این امر وابستگی کامل به همکاری و همگرایی با همسایگان قدرتمند و باثبات دارد و می‌توان گفت هر میزان همگرایی این کشور با همسایه‌ای چون ایران تقویت شود، زمینه‌ی واگرایی آن

به مسکو را که تقویت ماهیت استقلالی برایش دارد، فراهم می‌نماید. هم‌چنین ویژگی‌های همسایگان دیگر ترکمنستان چون ازبکستان به دلایل تاریخی (تمایلات برتری طلبانه ازبکستان) و افغانستان به دلایل سیاسی نظام (بی‌ثبات و جنگ داخلی در افغانستان) و ... نمی‌تواند پشتوانه‌ی خوبی برای این کشور باشد. بنابراین، ترکمنستان برای برقراری ارتباطات منطقه‌ای و جهانی خود علی‌رغم وجود موانع داخلی منطقه‌ای و جهانی ناگزیر است، ایران را به‌عنوان بهترین گزینه برای توسعه همه‌جانبه‌ی خود برگزیند. موقعیت جغرافیایی همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی، مشترکات تاریخی و فرهنگی و عوامل و ضروریات این فرضیه را تشکیل می‌دهند:

الف) همبستگی فرهنگی، اجتماعی: روابط عمیق و گسترده‌ی فرهنگی بین آسیای مرکزی به خصوص ترکمنستان با ایران از دیرباز سابقه داشته و این امر موجب همبستگی و خویشاوندی و دیرینه‌ای بین ملت ترکمنستان و ایران گشته است. فرهنگ ایرانی در زندگی روزمره ترکمنستان نقش اساسی داشته و روس‌ها علی‌رغم مرزبندی مصنوعی نتوانسته‌اند، آن را دگرگون کنند؛ و در مجموع، می‌توان حضور فرهنگ ایرانی در آن خطه را به میزانی پررنگ برشمرد که برخی از رهبران فعلی آسیای مرکزی بالاخص ترکمنستان جهت کسب وجهه‌ی مردمی تلاش دارند، خود را به تاریخ کهن ایرانی و فرهنگ غنی آن متصل نمایند.

ب) همبستگی اقتصادی: نیاز به همکاری‌های صادرات و وابستگی جغرافیایی ترکمنستان به ایران در زمینه‌ی انتقال انرژی (بالاخص گاز) و صدور اقلام صادراتی (بالاخص پنبه) همکاری دو کشور در سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و جهانی (مانند ا.ک.و...) زمینه‌ساز همگرایی و همکاری خواهد بود. روابط اقتصادی دو کشور در بعد دوجانبه در بخش تجارت، انرژی، گاز و سرمایه‌گذاری ضرورتی ملموس است که با ارزیابی‌های انجام شده در حال گسترش و تحکیم است. کمیسیون‌های مشترک، بانکی، ایجاد نمایشگاه‌های بازرگانی، مبادلات مرزی از جمله اقداماتی است که نیازهای متقابل دو کشور به همدیگر را ضروری می‌نماید. صادرات گاز که از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر ترکمنستان است، و ۹۰٪ آن را به صادرات اختصاص داده که بخش عظیمی از آن به صادرات

کشورهای اروپایی تعلق دارد و با همکاری ایران محقق می‌شود. از دیگر زمینه‌های اقتصادی بین دو کشور می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

(۱) زمینه‌های مبادله گاز در موارد زیر:

- جبران مازاد تقاضا برای گاز خلال ماه‌های سرد سال؛
- انتقال گاز ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه؛
- انتقال گاز ترکمنستان به هند از طریق ایران.

(۲) زمین مبادله نفت:

- سوآپ (قرارداد معاوضه) نفت ترکمنستان از طریق ایران؛
- انتقال مستقیم.

(۳) زمینه‌های مبادله برق؛

(۴) صادرات زغال سنگ به ترکمنستان؛

(۵) همکاری مشترک در زمینه انرژی‌های نو.

پیشنهاد به سایر محققان و پژوهشگران: به دیگر محققانی که علاقمند به پژوهش در این حوزه می‌باشند، پیشنهاد می‌گردد تا در جهت استفاده‌های تخصصی، فعالیت‌های پژوهشی خود را در زمینه‌هایی از قبیل بررسی زمینه‌های افزایش همگرایی ایران و ترکمنستان، آسیب‌شناسی تأثیرات عوامل متغیر ترکمنستان و تأثیرات منفی آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نقش ترکمنستان در تحولات منطقه و تأثیر بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران و... تحقیقات خود را معطوف نمایند.

منابع

فارسی

- ۱- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۲- خامنه‌ای، سیدعلی، دیدار نیروهای سپاه و بسیج لشکر پنج نصر، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰.
- ۳- آقابخشی، علی (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ۴- آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، دانشنامه سیاسی، تهران.
- ۵- احمدیان، بهرام (۱۳۸۰)، ایران و دریای خزر در چشم‌انداز ژئوپلیتیک، فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵.
- ۶- بهزادی، حمید (۱۳۶۹)، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، دهخدا.
- ۷- بشیری، عباس (۱۳۸۸)، روزنامه جام جم، شماره ۲۵۳۶ به تاریخ ۸۸/۱/۲۹، صفحه ۱۰ سیاسی، تهران.
- ۸- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۹- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۹۰)، امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، تهران، نشر آجا.
- ۱۰- تقوی‌اصل، عطا (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- ۱۱- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- ۱۲- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۱۳- چگینی، حسن (۱۳۸۴)، «نظام مدیریت استراتژیک دفاعی»، جلد دوم، تهران، نشر آجا.
- ۱۴- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، بررسی وضعیت جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک در ایران، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۰.
- ۱۵- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک، علم یا گفتمان: یک تردید فلسفی، مجموعه مقالات، تهران، مرکز مطالعات آفریقا.
- ۱۶- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت.
- ۱۷- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

- ۱۸- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)، «ژئوپلیتیک، یک بررسی فلسفی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره ۱.
- ۱۹- حسین‌پور، اکرم (۱۳۷۳)، تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۰- خلیلی، رضا (۱۳۸۴)، تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت، مجموعه مقالات استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۱- داوری اردکانی، رضا، شاکری، سیدرضا (۱۳۸۸)، امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی(ره)، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- ۲۲- رحمت‌الهی، حسین، لکزایی، نجف، ارسطو، محمدجواد، حاج‌زاده، هادی (۱۳۹۴)، امنیت سیاسی افراد در فقه، فصلنامه حقوق اسلامی، سال ۱۲، شماره ۴۴.
- ۲۳- رشیدی، امیرحسین (۱۳۹۳)، ژئوپلیتیک ترکمنستان و تأثیر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی.
- ۲۴- روشن‌دل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظامی بین‌المللی، تهران، سمت.
- ۲۵- سارلی، اراز محمد (۱۳۷۳)، ترکمنستان در تاریخ، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۶- سارلی، اراز محمد (۱۳۷۹)، ترکمنستان، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۷- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۳)، ژئواستراتژی، تهران: سمت.
- ۲۸- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۳)، ژئواستراتژی، تهران: سمت.
- ۲۹- لورو، پاسکال و توال، فرانسوا (۱۳۸۱)، کلیدهای ژئوپلیتیک، ترجمه، حسن صدوق و نینی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳۰- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷)، جغرافیا و سیاست در فرآیندی نوین، نگاهی به برخی مفاهیم در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۲.
- ۳۱- مک کین لای، رابرت، لیتل، ریچارد (۱۳۸۰)، امنیت جهانی، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، راهبرد.
- ۳۲- میرحیدر، دره (۱۳۷۷)، ژئوپلیتیک، ارائه تعریفی جدید، مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴.
- ۳۳- میرحیدر، دره (۱۳۸۴)، سیری در تحولات ژئوپلیتیک، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- ۳۴- وصالی، فاطمه (۱۳۷۶)، تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و ترکمنستان و تأثیرات آن در امنیت منطقه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۳۵- ولی‌زاده، قربان محمد (۱۳۹۲)، بررسی میزان اثربخشی اقدامات نیمه‌سخت سپاه سیدالشهدا در ایجاد امنیت استان تهران، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، دانشکده و پژوهشکده علوم دفاعی، تهران.
- ۳۶- هیل، لسل (۱۳۷۰)، تجدید حیات ژئوپلیتیک، ترجمه دره میرحیدر، تهران: ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۷-۴۸.

- 37- -Bayulgen, Oksa (2009), Caspian Energy wealth; social impacts and implications for regional stability" In: A. E. Wooden, 8c.H.Stefes, the politics of Transition in central Asia and the Caucasus, London and Newyork: Routledge
- 38- -Cohen,Sual B.(1994).Geopolitics in new world era. Chapter 2 from recording Theworld, Edited by: George J. Demko & William B. Wood. Usa: West view Press.
- 39- -Dikshit, Ramesh Datta. (1995). Political Geography. New Delthi: Tata Mc Graw-Hill Publishing Company Limited.
- 40- -Glassner, Martin Ira. (1993) Political Geography. New York: John Wiley & Sons, Inc Tuothail, Gearroi (1996). Critical Geopolitics (The Politicsofwriting Globspace) London: Routledge.
- 41- -Rennie Short,Jhon(1994).An Introduction to political Geography.Loncon and New York: Routledge.
- 42- -Taylor, Peter. J. (1994).Political Geographu. England: Longman Scientific and Technical.
- 43- -www.turkmenstudents.com.